

از : محمد حسین تسبیحی

اردوی ادبی



آنان که تا اندازه‌ی بزبانهای شبه قاره آشنایی دارند میدانند که زبان اردو از جدیدترین زبانهایی است که تاکنون در بر صغیر و حتی جهان بوجود آمده است .

در اینجا نمیخواهم تاریخچه و پیدایش زبان اردو را بیان دارم ولیکن بر سر آنم که اندکی دربارهٔ «**اردوی ادبی**» که با زبان فارسی ارتباط و پیوستگی و همبستگی تام و تمام دارد گفت و گو کنم . با مطالعات و پرسش و پاسخ‌هایی که با دانشمندان و بزرگان و زبان‌شناسان نموده‌ام باین نتیجه رسیده‌ام که زبان اردو میتواند بخش‌های زیر را دربر داشته باشد :

- ۱- اردوی ادبی .
- ۲- اردوی عامیانه .
- ۳- اردوی روزنامه‌یی .
- ۴- اردوی دینی .
- ۵- اردوی علمی .

۱- اردوی ادبی آن است که نویسندگان و شاعران و مفسران کتابها و امثال اینها از آن استفاده میکنند و شاید تا ۹۵ درصد لغات آن فارسی باشد.
 ۲- اردوی عامیانه آن است که مردم کوچه و بازار و خیابان بدان حرف میزنند و بطور کلی زبان محاوره و مکالمه و روزمره همگان است که در حدود ۶۰ درصد آن فارسی است .

۳- اردوی روزنامه‌یی آن است که روزنامه‌ها و مجلات امروز پاکستان بدان نوشته میشود و در حقیقت مخلوطی است از اردوی ادبی و اردوی عامیانه.
 ۴- اردوی دینی آن است که علما و مجتهدان دینی و مسلمانان سرزمین پاک از آن استفاده میکنند که ۹۰ درصد آن عربی و فارسی است .

۵- اردوی علمی آن است که بتازگی مراکز علمی و ادبی و فنی و پزشکی و امثال اینها آن را بوجود آورده و برای آن لغت‌نامه‌ها و کتابچه‌های گوناگون تألیف و چاپ و نشر کرده‌اند که در حدود ۶۰ درصد فارسی دارد. اما از ۵ درصد تا ۴۰ درصد لغات زبان اردو ، در درجه اول، لغات زبان سنسکریت است که شامل حروف اضافه و ضمایر و صفات و قیود و افعال و اعداد است . در درجه دوم شامل لغات انگلیسی و در درجه سوم شامل لغات متفرقه زبانها و گویش‌های دیگر است .

همانگونه که در آغاز این گفتار یاد آور گشتم ، منظور من در اینجا گفتگو درباره اردوی ادبی است .
 هر گاه بکتاب ادبی و دیوان شاعران زبان اردو مراجعه کنیم ، اشعار و جملات این کتابها برای ما که فارسی زبان میباشیم بسیار آسان و قابل فهم و سهل است .

البته باید بزبان فارسی آشنا باشیم و تا اندازه‌یی ادبیات و سبک‌های ادبی و دستور زبان فارسی را مطالعه کرده باشیم . مثلا این بیت شعر از نجم‌الدوله بهادر جنگ میرزا اسدالله خان غالب :

بطوفانگاه جوش اضطراب شام تنهائی

شعاع آفتاب روز محشر تار بستر هی

خوب دقت شود، فقط فعل ربط دهی ، اردو است ، مابقی فارسی. اتفاق افتاد که با استاد ممتاز حسن رئیس انجمن ادبی اردو در اطاق مدیر مرکز تحقیقات فارسی در راولپندی ملاقات کنم . گفت و گوی ما در اطراف زبان فارسی و پیرامون زبان اردو بود . او که زبان فارسی را خیلی خوب صحبت میکند و خیلی هم بدان علاقمند است میگفت : « ما کوشمان این است که زبان فارسی را بر زمین پاکستان و برای مردم پاکستان بازگردانیم . » سپس این شعر میرزا اسدالله خان غالب را با آواز بلند خواند :

پارسی بین تا ببینی نقش‌های رنگ رنگ

بگذر از مجموعه اردو که بی رنگ من است

در این گفت و گوی ادبی چند تن دانشمندان دیگر هم شرکت داشتند از جمله آقای دکتر نبی بخش خان بلوچ استاد دانشگاه و آقای تقوی و آقای دکتر علی اکبر جعفری مدیر مرکز تحقیقات فارسی . اما استاد ممتاز حسن بسختی خود اینگونه ادامه داد :

« زبان فارسی برای ما از همه زبانهای دیگر آسانتر است . همه شاعران و ادیبان و مفسران و تذکره نویسان ما نخست بزبان فارسی دست می‌بازیدند و سپس اردو را فقط برای محاوره و مکالمه خود بخود فرا میگرفتند . الفاظ و عبارات و جملات زبان عربی که در اردوی ادبی معمول است از طریق زبان فارسی وارد زبان اردو شده است . زبان ادبی اردو برای ما وقتی قابل فهم و درک است که بزبان فارسی آشنا و حتی تسلط کامل داشته باشیم . مثلاً غالب فرماید :

شمار سبحه مرغوب بهت مشکل پسند آریا

تماشای به یک کف بردن صد دل پسند آریا

به فیض بیدلی نومیدی جاوید آسان هی

کشاکش کو همارا عقدہ مشکل پسند آریا

هوای سیر گل آینه بسی مهری قاتل

که انداز بخون غلطیدن بسمل پسند آیا

در این سه بیت فعل «آیا» و فعل ربط «هی» و ضمیر مفعولی «هما» را ، اردو و بقیه فارسی است . معانی این سه کلمه بترتیب «آمد» ، «است» و «برای ما» میباشد . هر کس زبان فارسی را بداند ، اگر این سه کلمه را هم نداند ، معنی و مفهوم هر سه بیت برای او معلوم و واضح است .

استاد ممتاز حسن ، سپس ، سخنانی کوتاه درباره زبان انگلیسی و زبانهای دیگر سرزمین پاک بیان داشت و گفت :

« بزرگترین و ارجمندترین کسی که موجب شده زبان فارسی همچنان جاویدان در پاکستان باقی بماند ، «شادروان علامه دکتر محمد اقبال لاهوری» است که آثار ارزنده فارسی او ، در میان ملت پاکستان پس از قرآن عظیم و مصحف کریم قرار دارد .

کتابهای او سه زبان اردو و فارسی و انگلیسی است ؛ اما همه جا ، عشق و اشتیاق خود را بزبان فارسی نمودار ساخته است ، تا آنجا که فرماید :
گرچه هندی در عذوبت شکر است

طرز گفتار دری شیرین تر است

آری ، ما میکوشیم که زبان فارسی را زنده کنیم .

از لحاظ جغرافیایی هم اگر نفوذ زبان فارسی را در زبان اردوی ادبی بررسی کنیم خوب متوجه میشویم که همواره زبان فارسی بر همه گویشها و زبانهای دیگر سرزمین پاک برتری دارد ؛ مثلا استان پنجاب و سرحدوسند ، تنها يك مسأله درپیش است و آن بی توجهی طبقه جوان بزبان اردو است که بمعینه ارباب ادب زبان اردو ، اگر انجمنهای ادبی و مجالس شعرخوانی و مشاعره بکوشند ، طبقه جوان بیش ازپیش بزبان اردو که زبان ملی و میهنی اوست روی می آورد .

هر کس که بزبان اردو روی آورد ناچار است برای تقویت و قدرت

بخشیدن بیان و گفتار و انشاء و شعر خود از فارسی مدد بگیرد و آن هم منضم فرا گرفتن زبان فارسی است .
 در این موقع که این گفتار را می‌نوشتم ، بر مثنوی مولوی که بشعر اردوی ادبی ترجمه شده است دیده دوختم ، آن را گشودم و این اشعار را خواندم به زبان فارسی :

همچو مرغ مرده‌شان بسگرفته یار
 تا کند او جنس ایشان آشکار
 بزبان اردو :

مثل مرغ مرده وه پایند یار
 تاگری وه جنس اپنی آشکار
 بزبان فارسی :

ریشخندی کرده‌اند آن منکران
 بر مثلها و بیان ذاکران
 بزبان اردو :

جو ته‌سخراب کیا منکر نی هی
 ذاکرون کی بیس مثال و ذکر هی

همه شش دفتر مثنوی مولوی بهمین ترتیب است . هرکس که فارسی زبان باشد و ضمائر و حروف اضافه و افعال زبان اردو را بداند باسانی مثنوی را بزبان اردو درمی‌یابد .

من معتقدم که اردوی ادبی ، شاخه‌یی از زبان فارسی است که مخصوص سرزمین پاکستان و مردم شاعر و نویسنده و ادیب این مملکت است . چنانکه بهترین شاعر وارزنده‌ترین شعرش همواره از عنذوبت و شیرینی زبان و ادب فارسی بنحو کافی و وافی چشیده و سیراب شده است .

اردوی ادبی یعنی زبان روح و دل مردم پاکستان ، زیرا همواره برای تفهیم و تفهم مقاصد کوچک و بزرگ از اردوی ادبی کمک میگیرند ، مانند : اشعار میهنی ، سرود ملی ، آگهی‌های هیجان‌انگیز و خبرهای

شورانگیز . چونکه خیلی خوب معلوم است که شعر که دارای وزن و قافیہ و بحر باشد اثر و نفوذ بیشتری در روح و دل و اندیشه مخاطب دارد .
شاعران ملی و میهنی در سرزمین پاک بسیارند . شعرشان آنگاه مؤثر و مثمر است که تا هشتاد درصد آن الفاظ و عبارات و ترکیبات و تشبیهات و کنایات و ضرب المثلهای فارسی باشد و حتی بسیاری از جاها ، اشعار فارسی را تضمین میکنند تنها بدینجهت که شعرشان اثری عمیق و نفوذی پرفایده در مخاطب یا خواننده داشته باشد .
به این آگهی ادبی توجه کنید :

آوازون کاجادوگر

ریناریدو	ترانسستر	آوازون	کاجادوگر
کم قیمت ، اعلا معیار	دیده زیب	اور پایندار	
ریناریدو گهر کی زینت	رینا خوشحالی کی علامت		
رینا کی شهرت کاراز	صاف سریلی تیز آواز		
گیت ، غزل ، نغمه شنوائی	دیس به دیس کی خیرین لائی		
بات یہ دنیا نی مانی	ریناریدو لا ثانی		
هوٹل مین دکان مین رینا	دفتر اور مکان مین رینا		
دنیا بھر کوهی معلوم	گهر گهر مین ہی اس کی دھوم		
آوازون کسی جادوگر	رینا ریدو ترانسستر		

در این قطعہ دقت کنید و اصلا بہ الفاظ اردو توجه نکنید بخوبی معنی آگهی برای شما کہ فارسی زبان ہستید مفہوم است ، اما برای معانی الفاظ اردوی آن ، بفرہنگ لغت اردو مراجعہ میکنیم و می بینیم کہ بیشتر معانی آنها را بہ لفظ فارسی دادہ است ، مثلا :

گھر : مکان ، خانہ ، مسکن ، آشیانہ ، جای پیدایش ، خاندان .

سریلی : خوش گلو ، خوش آواز ، خوش الجان ، موزون .

گیت : سرود ، نغمہ ، راگ ، گانا .

شنوائی : بشنواند ، میشنواند .

دیس بہ دیس : سیروسیاحت ، ولایت بولایت .

این الفاظ را در فرهنگ جامع فیروزاللغات اردو بہ اردو اینگونه معنی کرده اند . بہ همین ترتیب ہر گاہ تحقیق وجست وجوبی بیشتر و دقیق تر انجام دہیم ، زبان اردو را شاخہ ہی از زبان فارسی بحساب خواہیم آورد کہ مقداری لغات و الفاظ سنسکریٹ و انگلیسی در آن ہست . شناخت الفاظ و لغات کہ شامل افعال و حروف اضافہ و ضمائر و اعداد میشود ، خواہی نخواہی زبان اردو چہرہ حقیقی فارسی خود را نشان میدہد و برای ہر فارسی زبان آسان میگردد .

اکنون چند جملہ از نثر اردوی ادبی بدست میدہیم . از مقدمہ مصحح کشف المحجوب ہجویری : « کشف المحجوب حاضر ہی . اسی پڑھی (آن را بخوانید) اور زندگی کی رموز و اسرار سی پردہ اتھا کر (بالا زدہ) زندگی کی صحیح تصویر دیکھی (نگاہ کنید) ، در این جملات کہ نصف آنها الفاظ اردو و نصف آنها فارسی است ، تقریباً معنی مفہوم است .

مثال دیگر :

« خلاصۃ التواریخ مین ہی کہ جناب ہجویری غزنین سی سلطان محمود کی ہمراہ آئی اور سلطان نی فتح لاہور کوان کی برکات قدم کی طفیل سمجھا (فہمید) .»

مثال دیگر : « جامع علوم انسان »

« ان بی شمار بزرگون سی حضرت شیخ نی مختلف مسائل پر گفتگو کی اور ان کی اقوال کاقیمتی اور نایاب ذخیرہ اپنی کتاب مین جمع کیا .»

ہمانگونه کہ ملاحظہ میشود در تمام این جملات ، غلبہ با الفاظ فارسی است و معنی آنها ہم تقریباً مفہوم است . در این صورت استاد ممتاز حسن کاملا محق ہستند کہ میفرمایند : « ما میخواہیم دوبارہ زبان فارسی را بہ پاکستان بازگردانیم تا نقش های رنگارنگ آن جلوہ و جمالی بزبان مردم مسلمان سرزمین پاک بدهد و دوستی ها را استوارتر گرداند .»